

ساختار و کارکرد در معماری آیینی مازندران؛ مطالعه‌ی موردی سقائفارهای فریدونکنار^۱

محمد حسن زال^۱، میثم فلاح^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر که داده‌های آن بر اساس مطالعات اسنادی، بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی و مصاحبه گردآوری شده، بررسی ساختار و کارکرد سقائفارها در مازندران است. سقائفار بنایی است چوبی و دوطبقه که بیش‌تر در بخش مرکزی مازندران و به نام حضرت ابوالفضل^(ع) بنا شده است. در این پژوهش، ۶ نمونه سقائفار موجود در فریدونکنار بررسی شده است که تمامی آن‌ها به دوران قاجار و بازه‌ی زمانی ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۶ ه.ق. تعلق دارد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. نگارندگان پس از معرفی داده‌ها، با روش تحلیل نظری و کمی به تفسیر داده‌ها پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از وجود بیانی نمادین در ساختار و تزئین سقائفارهاست. از منظر اجتماعی، کاربران بنا جوانان هستند. برافراشتگی بنا دارای نسبتی نمادین با سن کاربران و صاحب واقعی بنا یعنی حضرت ابوالفضل^(ع) است. نقوش مذهبی و ملی نشانه‌ی تأثیر انگیزه‌های شیعی و جنبه‌های پهلوانی و اسطوره‌ای ایرانی در ساخت سقائفار است. نقش‌مایه‌های بنا، نمادهایی از زندگی اجتماعی، اقتصاد معیشتی، نگرش‌های آیینی و هویت ملی مردمان منطقه ست. هنرمند با کنار هم قرار دادن ماهرانه‌ی این نقوش، قصد انتقال نمادین پیام‌های ملی و مذهبی به مخاطبان عام را داشته و این چیدمان، تنیدگی فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه را نشان می‌دهد. واژه‌های کلیدی: سقائفارهای فریدونکنار، دوره‌ی قاجار، کارکردهای اجتماعی و آیینی، بررسی‌های باستان‌شناختی.

^۱ - پژوهش حاضر، حاصل بررسی باستان‌شناختی به منظور تکمیل آثار ثبتی شهرستان فریدونکنار به تاریخ ۸۸/۵/۶ - به شماره مجوز ۱۶-۱۷۰-۱۴۳ ز سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران و به سرپرستی میثم فلاح است.

^۲ - استادیار گروه مدیریت جهانگردی دانشگاه مازندران

^۳ - کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران و مدرس مؤسسه‌ی آموزش عالی سبز

^۳ - کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران و مدرس مؤسسه‌ی آموزش عالی سبز

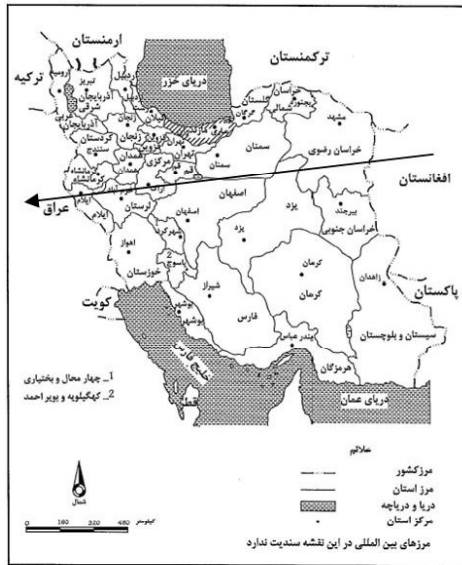
۱- مقدمه

معماری به عنوان یکی از هنرهای مؤثر در امر احراز، تثبیت و تداوم هویت فرهنگی، دینی و ملی هر سرزمین نقش رزنده‌ای دارد و می‌توان گفت در بسیاری موارد شاخص‌ترین عنصر حفظ هویت مردم هر سرزمین است (محمودی، ۱۳۸۸: ۹۴). بنای سقانفار در مازندران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ساخت پرتعداد این گونه از معماری بومی، با سلسله‌ای از اتفاقات تاریخی صدر اسلام و نیز تحولات سیاسی و دینی ایران و منطقه‌ی مازندران پیوند خورده است. سپر طبیعی البرز، مانع از فتح زودهنگام تبرستان، از سوی اعراب شد و اسلام نتوانست تا اوایل قرن دوم هجری وارد مازندران شود (مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۰). پس از ورود اسلام به مازندران، سیر تحولات سیاسی و مذهبی منطقه، نسبت به سایر مناطق ایران اندکی متفاوت است. سه واقعه‌ی تاریخی سبب شد، تا مذهب شیعه در منطقه‌ی مازندران زودتر از سایر نقاط ایران ظهور کند و بیش‌تر از سایر نقاط ایران قوام یابد. نخست، بعد از ورود اسلام به مازندران، این سرزمین به پناهگاهی برای بازماندگان خاندان پیامبر^(ص) در مقابل دشمنی خلفای بغداد بدل شد. با حضور این خاندان، مذهب شیعه در قرون ابتدایی اسلام در مازندران پایه‌ریزی شد (رحیم‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۷). سپس، سلسله‌ای از سادات مرعشی حسینی که شیعه مذهب بودند از ۷۶۰ تا ۸۸۰ هجری در مازندران حاکم شدند (نفیسی، ج ۱، ۱۳۶۴: ۱۰) و تبلیغ آیین اسلام و شیعی پرداختند (حجازی کناری، ۱۳۷۲: ۲۸). این تفاق تاریخی، پایه‌ی مذهب شیعه را در مازندران مستحکم‌تر کرد. در نهایت، با رسمی شدن مذهب شیعه در دوران صفوی، فضای سیاسی و مذهبی برای فعالیت‌های آیینی شیعیان در ایران مساعدتر شد. پرداختن به عزاداری‌های مرتبط با واقعه‌ی تاریخی عاشورا - مهم‌ترین مراسم مذهبی در باروهای شیعی - انجام نمایش آیینی تعزیه و ساخت بناهای مذهبی چون تکیه، نمونه‌های از آزادی فضای سیاسی در دوران صفوی و تأثیر آن بر رشد گرایش‌های شیعی در ایران است.

اما، برآیند رسمی شدن مذهب شیعه در ایران و ریشه‌دار بودن این مذهب در مازندران، موجب شد فعالیت‌های سیاسی و مذهبی شیعی در این خطه پررنگ‌تر از سایر نقاط ایران جلوه‌گر شود. بنابراین، انجام عزاداری‌های مذهبی، اجرای نمایش‌های آیینی، ساخت بناهای مذهبی چون تکیه و نوعی دیگر از بناهای مذهبی شیعی با نام سقانفار که خاص مناطق شمالی ایران است، در این قلمرو توسعه‌ی فراوانی یافت.

۲- جغرافیا و پیشینه تاریخی منطقه‌ی پژوهش

شهرستان فریدونکنار در مرکز استان مازندران قرار دارد (نقشه‌ی شماره‌ی ۱). این شهر از شمال به دریای مازندران، از شرق به بابلسر، از غرب به محمودآباد و از جنوب به آمل و بابل منتهی می‌شود. ارتفاع متوسط این شهر جلگه‌ی از سطح آب‌های آزاد حدود ۲۰ متر است و در طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه شمالی واقع شده است. فریدونکنار با داشتن ۱۲ کیلومتر خط ساحلی، وسعتی در حدود ۹۸/۱۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد (تصویر ۱) که از نظر زمین‌شناسی، جلگه‌ای و بدون هرگونه ناهمواری است (تصویر ۲). مهم‌ترین پوشش گیاهی در این ناحیه زمین‌های کشاورزی و شالیزارهای برنج است و شرایط اقلیمی نیز تابع شرایط جوئی حاکم بر منطقه، دارای آب و هوای معتدل و مرطوب خزری است (بازنگری طرح هادی روستای کاردرگرمحله، ۱۳۸۴: ۴؛ طرح هادی روستای ایزاران شهرستان بابلسر، ۱۳۸۲: ۶). درباره‌ی پیدایش این شهر در کتاب «وجه تسمیه شهرهای ایران» این‌چنین آمده است که گفته می‌شود، فریدونکنار را «فریدون» بنا نهاده است. مقصود از فریدون، یا حاکمی به این نام است که در این منطقه فرمانروایی داشته و یا فریدون، همان پادشاه باستانی ایران که ضحاک را در بند کرده است. نام قدیمی این شهر "فری‌کنار" (فری به معنای فرهمند و ارجمند) بوده و هم‌چنین در «روضه‌الصفاء» به تأسیس دستگاه کشتی‌سازی توسط نادرشاه در این منطقه اشاره شده است (رحیمی، ۱۳۸۷: ۵-۱؛ فاطمی، ۱۳۸۶: ۷). این منطقه به دلیل وجود بنادر متعدد، همیشه در طول تاریخ مورد توجه بوده است. بندر تاریخی «دریابار» از جمله بنادری است که در حد فاصل فریدونکنار و محمودآباد امروزی قرار داشت و در دوره‌ی سامانیان به دست رومیان سوزانده شده است (مرعشی، ۱۳۶۱: ۲۹۸).



نقشه‌ی شماره‌ی یک- موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد بحث (سالنامه‌ی مازندران، ۱۳۸۷)



تصویر شماره ی یک- موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد پژوهش (Google Earth)

۳- ساختارشناسی سقائفار

سقائفار سازه‌ای است چوبی، دو طبقه که معمولاً در مجموعه‌های مذهبی مازندران در کنار «تکایا» ساخته می‌شد (یوسف‌نیا پاشا، ۱۳۸۴: ۱۳۴). سقائفارها در زمره‌ی معماری آیینی و قدسی منطقه‌ی مازندران قرار می‌گیرند و این سازه‌های قدسی، بنا بر گفته سید حسن نصر، سرپناهی برای ایجاد آرامش و فضایی برای تجلی بهشت آسمانی است (نصر، ۱۳۷۵: ۶). با توجه به رجعت سوگواران به این بناها در ماه‌های حرام و بهره‌گیری از آنها برای گذراندن ایام اعتکاف، سقف و ستون‌های این بناها محل مناسبی برای نمایش اعتقادات، باورها و روایات مذهبی ساکنان محسوب می‌شده که در سه قالب «اسطوره، مذهب و زندگی روزمره» بر مهمانان خود تأثیر می‌گذاشته است. چوب ساختار اصلی بناست و عناصر اصلی چوبی در این سازه عبارتند از:

- شیرسر: قطعاتی چوبی از جنس درخت آزاد که در انتقال بار سقف به سرستون‌ها به صورت پلکانی ایفای نقش می‌کردند.
- دهان اژدری: سرستون‌های چوبی به فرم دهان اژدها که ارتباط میان تیرهای افقی و عمودی بنا را میسر می‌ساختند.
- هالا: بالاترین تیر چوبی که به صورت اریب، شیب اصلی بام را می‌سازد و تخته کوبی نهایی به روی آن صورت می‌گیرد.
- پلور: تیرهای پوشاننده بام در طبقات اول و دوم.
- تخته: ضمن پوشاندن فضای خالی میان پلورها، کف اصلی طبقه‌ی بالا را می‌سازد.
- پتک یا درز پوش: برای پوشاندن درز میان دو تخته از قسمت پایین به کار می‌رود.

از موارد یاد شده، عناصری همچون شیرسر، دهان اژدری، پلور، تخته و بعضاً قسمت انتهای هلا، معمولاً در «نغارها» مورد تزیین قرار می‌گیرد. برخی از این اجزا و عناصر را معماران بومی چنین می‌نامند: نال یا واشان، گُماچه (سرستون)، شوله ور، پلور، گردِ رفاق (رواق) و... (رحیم‌زاده، ۱۳۸۲: ۷).

با توجه به این‌که قدیمی‌ترین نمونه‌های سقانفار موجود در مازندران متعلق به دوران صفوی است^۱، یادآوری این نکته در درک چگونگی پیدایش این عناصر مذهبی سودمند خواهد بود که در اکثر روستاهای مازندران به لحاظ کمبود خاک رس مناسب، آجر کالایی نایاب بوده؛ از این رو، در بسیاری از این نمونه‌ها تنها ساخت سکوی پایینی با مصالح آجری صورت گرفته است. در نمونه‌ی صفوی، ابعاد آجرهای به‌کار رفته در زیر سازی سکو ۲۷×۲۷×۵ سانتی‌متر است که اندازه‌ی رایج در ابنیه‌ی حکومتی و رسمی کشور بوده است. با توجه به صعب‌العبور بودن بسیاری از روستاهای دارای «نغار»، علت توجه خاندان صفویه به ساخت نغارهایی با مصالح رسمی در مناطقی این‌چنین صعب‌العبور جای بحث دارد. با استناد بر گفته‌ی گیدئین که ذات یک عصر، خود را در معماری آن عصر نشان می‌دهد (گیدئین، ۱۳۷۴: ۳۷)، می‌توان انگیزه‌های مذهبی (تشیع) و جنبه‌های پهلوانی نقوش اسطوره‌های ایرانی را دو عنصر مهم و تأثیرگذار بر ساخت سقانفار دانست. جنگ‌های ایران و عثمانی (دو قطب شیعه و سنی)، توجه بسیار شاهان صفوی به ساخت ابنیه‌ی مذهبی از این دست را منطقی می‌نماید. زیرا این بناها به نوعی انگیزه‌ی مردم را در جنگ علیه کفار تقویت می‌کرد. البته باید یادآور شد، ساخت سقانفار منحصر به ایران نبوده و در کشورهایی میان چین تا هند، اشکال گوناگونی از این سازه‌های چوبی در جوار مساجد و اماکن مقدسه مشاهده می‌شود که بنا به اعتقادات ادیان مختلف کاربری و ساختار متفاوتی دارند. وجه اشتراک همه‌ی این بناها کاربری آیینی آنهاست. آرتور آبراهام پوپ عقیده دارد، وظیفه‌ی فن معماری در گذشته، هم از نظر مادی و هم از دید سمبلیک، ایجاد ارتباط میان جهان مادی و عالم معنا بود (پوپ، ۱۳۶۵: ۱۳). از این رو، وجود تشابه کارکردی آن هم از نوع آیینی در این گونه از بناها امری دور از ذهن نیست. اما این گونه آثار در ایران، بیش‌تر در مناطق مرکزی مازندران بنا شده‌اند. شاید بتوان گفت، به دلیل وجود ریشه‌های تاریخی شیعه در مازندران، مظاهر این مذهب همچون ساقی‌گری و اهمیت نمادین آب در واقعه‌ی کربلا، با مصادیق فکری و فطری مردمان مازندران هم‌خوانی بیش‌تری داشته و سقانفارها با ساختار بومی خود، جایگاهی مناسب، برای تبلور و تجلی این اعتقادات

^۱ - نمونه‌ی نادر آن در منطقه‌ی سوادکوه مازندران قابل مشاهده است.

محسوب می‌شده‌اند (Fallah, 2010:1). به هر تقدیر، ساخت و ساز این بنای مذهبی در دوره‌ی قاجار در منطقه‌ی مورد پژوهش گسترش می‌یابد. سقانفارهای مورد مطالعه نیز همگی متعلق به زمان قاجار هستند. این بناها از منظر گونه‌شناسی و سازندی از نوع نقوش (شامل نقاشی‌های نسائی، جانوری، شاهنامه‌ی، گیاهی، هندسی، اشعار و...) بوده و از لحاظ زیبایی‌شناسی و دیدمان هنری در منطقه کم نظیر هستند^۱.

۴- پیشینه و روش تحقیق

تاکنون درباره‌ی معماری مذهبی ایران پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته است که ذکر همه‌ی آن‌ها در این‌جا ممکن نیست. اما آنچه به معماری مذهبی در حوزه‌ی مازندران مربوط می‌شود، تحقیقات بسیار مختصری است که در دو بخش مطالعات باستان‌شناختی و تاریخ معماری صورت گرفته است. آن بخش از تحقیقات که به بررسی سقانفارهای مازندران می‌پردازد، نیز به نوبه‌ی خود بسیار محدود است. یکی از پژوهش‌ها در این زمینه، کتاب معصومه رحیم‌زاده با عنوان «سقانالارهای مازندران، منطقه بابل، وجهی از معماری آیینی» است که در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است. در این پژوهش به بررسی نقوش سقانفارها به عنوان سمبل آیین‌های کهن مردمان خطه‌ی مازندران پرداخته شده است. یکی از مهم‌ترین کارهای انجام شده درباره‌ی سقانفار، پژوهش وحید یوسف‌نیا پاشا با عنوان «پیمایشی بر نقوش روی شیرسر و کوماچه‌سر در سقانفارهای مازندران» در سال ۱۳۸۴ است. گونه‌بندی و مطالعات ساختارشناسی مهم‌ترین هدف پژوهش مذکور است.

«نشانه‌های تصویری و رمزپردازی نقوش سقانفار» یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی سقانفار است که در سال ۱۳۸۵ محمد اعظم‌زاده آن را انجام داده است که با هدف بررسی تنیدگی نگرش‌های مذهبی و ملی مردمان منطقه و تقسیم‌بندی نقوش سقانفار برای دست‌یابی به وجوه اشتراک این نقوش در بناهای استان انجام است. یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، «بررسی باستان‌شناسی استان مازندران به‌منظور تهیه‌ی نقشه باستان‌شناسی» است که به سرپرستی کلی دکتر سید مهدی موسوی کوهپر در سال ۱۳۸۶ انجام شده است. در این اثر ۱۷ جلدی، تمامی سقانفارهای مازندران در کنار سایر آثار باستانی منطقه به معرفی و شناسایی پرداخته شده است. از دیگر مطالعات انجام شده در این زمینه، پژوهش‌های «بنای مذهبی به نام سقانفار،

^۱ - در مازندران سقانفارهای ساده (بدون هرگونه نقش و نگار، و فقط کنده‌کاری‌هایی بر روی چوب و الوار) نیز وجود دارند.

خاصه منطقه‌ی مرکزی مازندران، مطالعه‌ی موردی بررسی باستان‌شناختی سقانی‌فاره‌های شهرستان فریدونکنار» در سال ۱۳۹۰، «مطالعه‌ی خصوصیات زیبایی شناختی سقانی‌فاره‌ها؛ مطالعه‌ی موردی سقانی‌فاره‌های فریدونکنار» در سال ۱۳۹۱ و «مطالعه‌ی خصوصیات معماری و هنری سقانی‌فاره‌های شهرستان بابلسر؛ بنای مذهبی ویژه‌ی بخش مرکزی مازندران» در سال ۱۳۹۱ است که میثم فلاح انجام داده است. نگارنده در این مقالات به مطالعه خصوصیات معماری، هنری و زیبایی‌شناختی سقانی‌فاره‌ها پرداخته است.

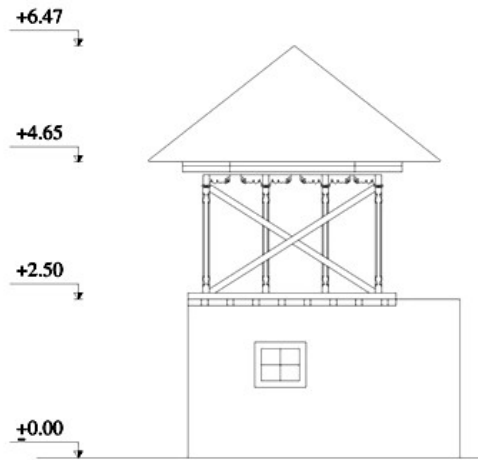
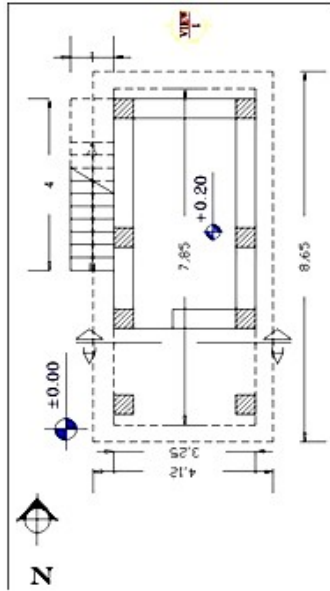
مهم‌ترین هدف پژوهش پیش‌رو که نگاهی جامعه‌شناختی به این نوع سازه دارد، معرفی ساختار معماری سقانی‌فار و واکاوی جایگاه و کارکردهای اجتماعی و آیینی این بناست. مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر عبارتند از: چرا این نوع از معماری در مازندران شکل گرفته است؟ پیشینه‌ی ساخت این بنا با کدام تفکر رایج در دوران قاجار مرتبط است؟ و عناصر نشانه‌ی کارکردها و جایگاه اجتماعی و آیینی در سقانی‌فار کدامند؟ تمرکز معنادار الگوی پراکنش این بناها در مازندران مرکزی و آرایه‌های تزئینی بنا که نوعی صامت هنری و الهام یافته از اصالت و کرامت تشیع بوده، اهمیت این پرسش‌ها و نگرش‌ها را دو چندان ساخته است. این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی است. به دلیل ماهیت موضوع و کمبود منابع مکتوب در این زمینه، بخش عمده‌ی داده‌های پژوهش حاضر با روش بررسی میدانی باستان‌شناختی، مصاحبه و بخش اندک آن نیز از طریق مطالعات اسنادی گردآوری شده و با روش تحلیل نظری و کیفی تفسیر شده‌اند.

۵- معرفی نمونه‌های بررسی شده

۵-۱- سقانی‌فار اُوکسَر کریم‌کُلا

این بنا در روستای اُوکسَر کریم‌کُلا، بخش مرکزی شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی "۲۶° ۳۲' ۵۲"، عرض جغرافیایی "۵۹° ۳۵' ۳۶" و هم‌تراز با آب‌های آزاد واقع شده است (تصویر شماره‌ی دو). پلان این سقانی‌فار (پلان شماره‌ی یک) که در جوار حسینیه‌ی این روستا قرار گرفته مستطیل شکل، با طول غربی- شرقی ۷/۳۵ متر و عرض شمالی- جنوبی ۳/۲۵ متر است. پوشش بنا خرپشته‌ای و چهارجانبه است. اجزای چوبی بنا با میخ و پرچ‌های فلزی به یک‌دیگر متصل شده‌اند. کتیبه‌ی موجود در بنا تاریخ ۱۳۲۶ ه.ق. و نام سازنده‌ی آن را نشان می‌دهد. تکنیک‌های تزئینی بنا کنده‌کاری و نقاشی بر روی چوب و نقش مابه‌های رایج در آن هندسی، گیاهی، جانوری، انسانی، ترکیبی و شاهنامه‌ای است (تصویر شماره‌ی سه). رنگ‌های به‌کار رفته در تزئینات بنا

عبارت از: آبی، سبز، قهوه‌ای، قرمز، زرد، سفید و سیاه است. همچنین اشعاری در مدح واقعه‌ی کربلا در نمای سقف داخلی نوشته شده است که حاکی از کارکردهای اجتماعی و آیینی این بنای قدسی است.



پلان شماری یک- طرح پلان و مقطع سقائفار اوکستر کریم کُلا (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی دو- نمای جنوبی سقائفار اوکسر (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی سه - نقوش انسانی، اساطیری، جانوری و... (نگارندگان، ۱۳۸۸)

۵-۲- سقائفار جزین

این سقائفار (تصویر شماره‌ی چهار) در روستای جزین، بخش مرکزی شهرستان فریدونکنار و در طول جغرافیایی "۴۲° ۳۱' ۵۲"، عرض جغرافیایی "۵۱° ۳۶' ۳۶" و ارتفاع ۴ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است. پلان این سقائفار مستطیل شکل با طول غربی- شرقی ۷ متر و عرض شمالی- جنوبی ۶ متر است. پوشش بنا خریشته‌ای و چهارجانبه است. نقش مایه‌های تزئینی این سقائفار عبارتند از: نقوش هندسی، گیاهی و گل و مرغ که با رنگ‌های زرد، سبز، آبی، سیاه و قهوه‌ای مزین شده‌اند (تصویر شماره‌ی پنج). طبق تاریخی که در داخل بنا حک شده است، قدمت بنا به سال ۱۳۲۳ ه.ق. باز می‌گردد. مصالح به‌کار رفته در بنا چوب است که با میخ به یکدیگر متصل شده‌اند و در حال حاضر ستون‌های سیمانی جایگزین شالوده‌های چوبی بنا شده است.



تصویر شماره ی چهار- نمای شرقی سقائفار جزین (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره ی پنج- نقوش انسانی، جانوری، اسطوره‌ای سقائفار جزین (نگارندگان، ۱۳۸۸)

۵-۳- سقائفار نوایی محله

این بنا در روستای نوایی محله، بخش دهفری، شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی $35^{\circ} 27' 52''$ عرض جغرافیایی $29^{\circ} 37' 36''$ عرض شمالی و در ارتفاع ۲ متری آب‌های آزاد قرار دارد. پلان این سقائفار که در جوار مسجد روستای نوایی محله قرار گرفته مستطیل شکل، با عرض غربی- شرقی ۵ متر و طول شمالی- جنوبی ۹ متر است. ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ۶ متر و مساحت آن ۴۵ متر مربع است. مصالح به‌کار رفته در بنا از چوب است که با میخ و بست‌های فلزی به یکدیگر متصل شده‌اند. نقش‌مایه‌های این سقائفار عبارتند از: اشکال هندسی، جانوری، گیاهی، گل و بوته، انسانی و نقوشی مرکب از سر

انسان با بدن پرنده و جانور که نقوش اساطیری را نمایان می‌سازد (تصاویر شماره‌ی شش و هفت). رنگ‌های به کار رفته در این نقوش قرمز، آبی، سیاه، زرد، سفید و قهوه‌ای است. بنا با توجه به مقایسه‌ایی که از روی سبک، نقش و ساختار این سقائفار با نمونه‌های مشابه در منطقه انجام شده، احتمالاً به دوره‌ی قاجار باز می‌گردد. در حال حاضر اتاقی نوساز با مصالح آجر و سیمان گرداگرد بنای چوبی را محصور کرده است.



تصاویر شماره‌ی شش و هفت- نمای داخلی سقائفار نوایی محله، انواع نقوش اسلامی، اساطیری، جانوری، انسانی، گیاهی، دینی (نگارنده، ۱۳۸۸)

۵-۴- سقائفار کوچک بیشه محله

این بنا (تصویر شماره‌ی هشت) در روستای کوچک بیشه محله، بخش دهفری شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی "۳۰' ۲۹' ۵۲°، عرض جغرافیایی "۴۶' ۳۶' ۳۶° و ارتفاع ۱ متری آب‌های آزاد واقع شده است. پلان این سقائفار که در جوار مسجد این روستا قرار گرفته مستطیل شکل، با عرض غربی- شرقی ۵/۵۰ متر و طول شمالی- جنوبی ۷/۵۰ متر و ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ۵/۵۰ متر و مساحت آن ۴۱/۲۵ متر مربع است. مصالح به کار رفته در بنا از چوب است که با میخ و بست‌های فلزی به یک‌دیگر متصل شده‌اند (تصویر شماره‌ی نه) و در حال حاضر در میان ساختمان نوساز آجری محصور شده است. سقائفار کوچک بیشه‌محله نیز جزء سقائفارهای منقوش منطقه است، با این تفاوت که طرح‌های این سقائفار منحصرأ هندسی با رنگ‌های قرمز، آبی، سفید و سبز است. طرح‌های هندسی با رنگ‌های مذکور به‌صورت قرینه در فضای داخلی و خارجی بنا نقش شده‌اند. قدمت این سقائفار با توجه به تشابه سبک، نقش و ساختار آن با نمونه‌های دیگر، احتمالاً به دوره‌ی قاجار باز می‌گردد.



تصویر شماره ۵ هشت- فضای آجری در نمای جنوبی سقائفار (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره نه - مصالح چوبی داخل سقائفار (نگارندگان، ۱۳۸۸)

۵-۵- سقائفار امامزاده عبدالله^(ع) ازاباران

این بنا در روستای ازاباران، بخش دهفري شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی $35^{\circ} 29' 52''$ عرض جغرافیایی $38^{\circ} 31' 57''$ و در ارتفاع ۱۴- متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. پلان این بنا که در محوطه‌ی قبرستانی روستای ازاباران قرار دارد، مستطیل شکل با طول غربی- شرقی ۷/۶۰ متر و عرض شمالی- جنوبی ۶۷۵ متر است. ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف تقریباً ۳ متر و مساحت آن ۵۱ مترمربع است. تفاوت انحصاری این سقائفار با سایر نمونه‌های منطقه این است که این بنا فاقد ستون‌های پایه و شالوده بوده و بر روی زمین احداث شده است. مصالح اصلی بنا از الوارهای قطوری است (تصویر شماره ۵ ده) که بخش‌هایی از آن رنگ‌آمیزی شده و در حال حاضر ساختمانی آجری گرداگرد آن را محصور کرده است. قدمت بنا با توجه به کتیبه‌ی موجود در آن به دوران قاجاریه (۱۳۱۵ ه.ق) باز می‌گردد.

تزیینات سقائفار امام زاده عبدالله^(ع) نیز منحصر به فرد است. از یکسو نقوش به کار رفته در سقف داخلی بنا منحصرأ اشعاری در مدح واقعه‌ی کربلا بوده و از سوی دیگر تاریخ احداث، نام و ولایت سازنده بنا در قاب‌های رنگی حک شده است (تصاویر شماره‌ی دوازده). در بخش میانی فضای داخل، ضریح فلزی دیده می‌شود که احتمالاً جایگزین ضریح چوبی؟ و قدیمی؟ آن شده است (تصویر شماره‌ی یازده). بنا به روایت ساکنان روستا، مدفن امامزاده نام عبدالله^(ع) است که در مرکز این بنا دفن شده است.



تصویر شماره‌ی ده- نمای داخلی سقائفار امامزاده عبدالله^(ع) (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی یازده- صندوق چوبی داخل بنا (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی دوازده- کتیبه‌ای که نام بانی (کربلایی علی رضا) و ولایت وی (نوا) را مشخص می‌نماید (نگارنده‌گان، ۱۳۸۸)

۵-۶- سقائفار امامزاده قاسم^(ع) کاردگرمحله

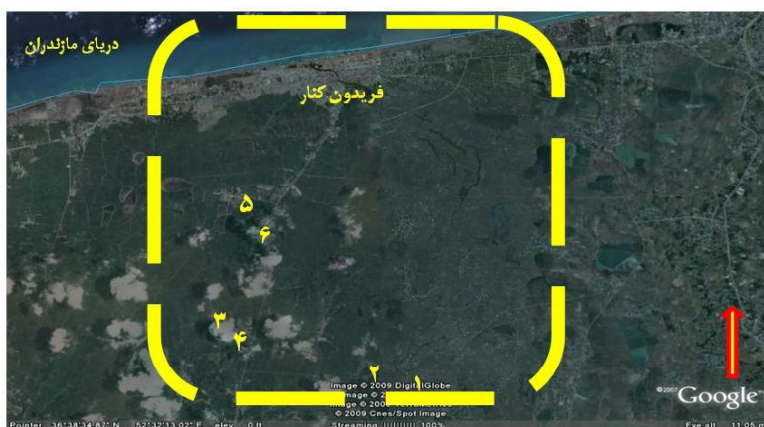
این بنا (تصویر شماره ۵ سیزده) در روستای کاردگرمحله، بخش دهفري شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی "۵۸ ۲۹ ۵۲°، عرض جغرافیایی "۱۶ ۳۸ ۳۶° و ارتفاع ۱۰- متری آب‌های آزاد قرار دارد. پلان این سقائفار که در جوار امامزاده قاسم^(ع) این روستا قرار گرفته، مستطیل شکل با طول غربی- شرقی ۱۲/۵۰ متر و عرض شمالی- جنوبی ۷/۲۰ متر است. ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ۶/۵۰ متر و مساحت آن ۸۸/۵۰ متر مربع است. مصالح به‌کار رفته در بنا از چوب بوده که در حال حاضر در میان ساختمان نوساز آجری محصور شده است. این ساختمان نوساز، تقریباً ۱۵ سال پیش احداث شده است. نقش‌مایه‌های این سقائفار اشکال هندسی، گیاهی و نقش ردیف انسانی بر روی نمای سقف داخلی بنا را دربر می‌گیرد. علاوه بر این نقوش، اشعاری نیز بر روی نمای سقف داخلی بنا مشاهده می‌شود. قدمت بنا با توجه به کتیبه‌ی موجود در آن متعلق به دوران قاجار (۱۳۱۱ ه.ق) است.



تصویر شماره ۵ سیزده- نمای عمومی سقائفار امامزاده قاسم (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره ۵ چهارده- نقوش انسانی با پوشش قاجاری (نگارندگان، ۱۳۸۸)



۱- سفانفار اوکسر کریم کلا ۲- سفانفار نوایی محله ۳- سفانفار امام زاده عبدالله ازبیران
 ۴- سفانفار کوچک بیشه محله ۵- سفانفار امام زاده قاسم کاردر محله ۶- سفانفار امام زاده قاسم کاردر محله

تصویر شماره‌ی پانزده- جانمایی سفانفارهای مورد مطالعه در شهرستان فریدون کنار بر روی

نقشه‌ی (Google Earth)

۶- بحث و تحلیل یافته‌ها

سفانفارهای فریدونکنار، گونه‌ای از معماری آیینی در استان مازندران هستند که پس از رواج مذهب شیعه‌ی اثنی‌عشری، با هدف وقف برای ساقی دشت کربلا، حضرت ابوالفضل^(ع) و به نام حضرت ایشان ساخته شده‌اند. ساخت این بنای آیینی در دوران قاجار رواج بیش‌تری یافت؛ به گونه‌ی که بیش‌تر نمونه‌های باقی‌مانده در مازندران و تمامی نمونه‌های کنترل شده در منطقه‌ی مورد پژوهش به دوران قاجار تعلق دارند.

این سفانفارها، به پیروی از معماری بومی و سنتی شمال ایران ساخته شده‌اند. بناهای مذکور تماماً چوبی، دو طبقه و بر روی چهارپایه‌ی قطور چوبی به فرم چهارگوش ساخته شده‌اند. دسترسی به طبقه‌ی دو از طریق نردبان چوبی امکان‌پذیر است. با توجه به اقلیم معتدل و مرطوب و وجود پوشش جنگلی در منطقه‌ی مورد پژوهش، استفاده از چوب در بنا به عنوان مصالحی بوم‌آورد، امری بدیهی است. پوشش این بنا به صورت خرپشته‌ای یا شیروانی بوده که معمولاً با بام‌پوش‌های سفالین پوشیده شده‌اند. این بام‌پوش‌ها به مرور زمان از بین رفته و سپس مرمت شده‌اند که در مرمت‌های مردمی از پوشش حلبی نیز استفاده شده است. ساخت بنا به صورت دو طبقه در منطقه‌ی شمال ایران، سنتی دیرپا و وابسته به اقلیم قلمداد می‌شود. به دلیل شرایط اقلیمی،

فراوانی رطوبت نسبی و فراخور آن سرعت زیاد تخریب عناصر چوبی در معماری منطقه، معمولاً فضایی خالی را میان سطح زمین و بخش اصلی بنا ایجاد می‌کنند. این بخش در برخی از بناها مانند خانه‌های شمال به عنوان انباری و در برخی از بناها مانند تکیه به صورت کرسی ایجاد می‌شود. در سقانه‌ها نیز این بخش در پایین بخش اصلی و نشیمن بنا در نظر گرفته شده است. با وجود این، مصالح چوبی سقانه‌های منطقه از گزند آسیب طبیعی در امان نمانده‌اند. تخریب مصالح اصلی سقانه‌های مورد پژوهش در منطقه و بازسازی آن با مصالحی چون آجر بر این امر صحه می‌گذارد.

سقانه‌های منطقه‌ی مورد مطالعه که معمولاً فضایی کوچک را در حریم امامزاده‌ها، تکیه‌ها، مساجد و گورستان‌ها به خود اختصاص داده‌اند، در میان اهالی منطقه از تقدس و احترام والایی برخوردارند و نمونه‌ی بارز معماری آیینی در منطقه محسوب می‌شود. واقع شدن این بنا در محوطه‌ای وسیع و در کنار سایر بناهای آیینی، احساس دوگانه‌ی آرامش و ترس را برای انسان می‌آفریند و این امر خود آیینی بودن و ارتباط آن را با دنیای فرامادی و فرازمینی نشان می‌دهد. دو گونه تکنیک تزئینی عمده و پرکاربرد در تمام سقانه‌های منطقه دیده می‌شود. کنده‌کاری و نقاشی بر روی چوب. چوب در سقانه‌های منطقه تنها نقش سازه‌ای ندارند؛ بلکه از آن‌ها در تزئینات نیز استفاده شده است. استفاده‌ی دو منظوره و هم‌زمان از چوب در ساختار و تزئین یکی از شیوه‌های نغز در معماری این بنای بومی است. تراش پرکار و متنوع در سرستون‌ها و شیرسره‌های زیر پوشش سقف علاوه بر خلق زیبایی، حامل بار و سنگینی بنا از سقف به پی سقانه‌ها است. سقانه‌ها علاوه بر تزئینات بدیع و چشم‌نواز چوب‌کاری، مملو از تزئیناتی هستند که با رنگ‌ها و موتیف‌های متنوع بر پیکره‌ی چوبی بنا نقش شده‌اند. این تزئینات، مضامین گسترده‌ای را در برمی‌گیرند. نقوش سقانه‌ها جنبه‌ی روایی دارد و نشانه‌ی رابطه‌ی بینامتنی میان تصاویر و روایت‌های حماسی و مذهبی هستند (محمودی، ۱۳۸۷: ۷۵). تنوع موضوعات تا آن اندازه است که می‌توان گفت تقریباً همه بعاد فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه را شامل می‌شود. نقش گل و برگ و اسلیمی، نقوش شبیه گل لوتوس، نقش شیر، مار، ماهی، اسب، پرنده، بز، نقوش انسانی زن و مرد در کنار هم، ردیف شاهزادگان مؤنث و مذکر با لباس‌های فاخر و تاج‌های سه کنگره‌ای، فرشتگان بالدار یا تاج‌های سه کنگره‌ای، اژدها، ماهی در حال بلعیدن کشتی، پرنده با سر زن، انسان سوار بر حیوانی با سر انسان و قاب‌سازی‌های رنگی با کتیبه‌هایی با مضامین مرتبط با واقعه‌ی کربلا و یا مستند کردن نام نجار و سازنده‌ی بنا از مهم‌ترین نقش‌مایه‌های این بناها هستند. این نقوش را می‌توان از

منظر مضمون و مفهوم در گروه‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی، آیینی و آخرالزمانی، اسطوره‌ای و خیالی و... دسته‌بندی و مطالعه کرد. نکته‌ی مهم در مطالعه‌ی این نقوش، تم و زمینه‌ی تأثیرگذار بر انتخاب و خلق این نقوش در بنای سقائفار است. به‌طور قطع مسایل اجتماعی، اقتصاد معیشتی مردمان منطقه، عناصر ملی و دغدغه‌های آیینی و آخرالزمانی در نقش شدن این موتیف‌ها تأثیر مستقیمی داشته‌اند. از این رو، می‌توان نقش‌مابه‌های مختلف با مضامین متنوع در این سقائفارها را که ناقل مفاهیم دینی به کاربران عام خود هستند، نشانه‌ی پیوند و تنیدگی فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه قلمداد کرد.

از منظر آیینی، کارکرد سقائفارهای منطقه به مراسم عزاداری واقعه‌ی کربلا منتسب است. در ایام محرم این بنا رونق خاصی می‌گیرد و با پوشاندن این بنا با پارچه‌های مشکی که بر آن مضامین مرتبط با واقعه‌ی کربلا نوشته شده، شور و حال مذهبی خاصی در آن جریان می‌یابد. عزاداری در غم از دست دادن سرور و سالار شهیدان و یاران باوفایش، با ایجاد حلقه‌های انسانی و انجام مراسم سینه‌زنی، ریشه در هم‌بستگی آیینی و اجتماعی مردمان این منطقه دارد.

از نظر اجتماعی نیز، سقائفارهای فریدونکنار منتسب به جوانان و فرزندان ذکور اهالی منطقه است. در این محل تنها آب و چای صرف شده و از ورود کودکان، زنان و پیرمردان جلوگیری می‌شود. از این بنا فقط جهت عزاداری جوانان در ماه محرم برای حضرت ابوالفضل استفاده می‌شود و پیرمردان هم به علت ارتفاع زیاد آن و هم به لحاظ مفهومی از آن استفاده نمی‌کنند. زنان تنها در ایام و اعیاد خاصی برای ادای نذورات، حق ورود به طبقه‌ی همکف سقائفار دارند و در غیر این ایام، حتی وارد شدن به زیر تخت برای زنان، کاری بس ناصواب محسوب می‌شود (بر اساس مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده؛ نیز ببینید: یوسف‌نیا، ۱۳۸۴: ۵۷-۶۴). نوشتن آب در سقائفارها بیان‌کننده‌ی کارکرد نمادین این بنا، ارتباط آن با وقایع کربلا، داستان حضرت ابوالفضل و عنصر نمادین آب در وقایع یاد شده است. عمودیت و افراستگی بنا نیز با جوانی حضرت ابوالفضل^(ع) و بازه‌ی سنی کاربران آن رابطه‌ای مفهومی و نمادین دارد.

۷- برآیند و نتیجه‌گیری

سقانفارهای فریدونکنار، تماماً با پلان مستطیلی، با محور شمال غرب- جنوب شرق بنا شده‌اند و به‌طور میانگین دارای ابعاد تقریبی ۷/۵۰ در ۵/۵۰ متر و ارتفاعی بالغ بر ۲/۵۰ متر (از کف تا سقف چوبی داخل سقانفار) هستند. این بنا با کارکرد مذهبی و اجتماعی، ویژه‌ی شیعیان و بیش‌تر در منطقه‌ی مرکزی مازندان ساخته شده است. احداث این‌گونه از معماری آیینی در مازندران، از دوران صفویه آغاز و در دوران قاجار به اوج می‌رسد. نمادپردازی و بیان نمادین در بندبند کارکردها و تزینات این بناها موج می‌زند. از منظر اجتماعی، مخاطبان و کاربران این بنا که به‌نام حضرت ابوالفضل^(ع) بنا شده است، جوانان هستند. عمودیت و برافراشتگی بنا با میانگین سنی کاربران آن تناسب دارد. این تناسب میان بنای تکیه با گستردگی افقی و سن کاربران آن یعنی افراد مسن‌تر و صاحب‌مقام اجتماعی در منطقه نیز دیده می‌شود. در سقانفارهای کنترل شده، نقش‌مایه‌های متعددی دیده می‌شود که عبارتند از: نقوش گیاهی و اسلیمی، هندسی، انسانی، اساطیری، جانوری، اشعار در مدح واقعه‌ی کربلا، مدایح پیرامون امام حسین^(ع) و حضرت ابوالفضل^(ع) که با تکنیک‌کننده‌کاری و نقاشی بر چوب اجرا شده‌اند. در کلی‌ترین بیان، نقش‌مایه‌های بنا نمادهایی از زندگی اجتماعی، اقتصاد معیشتی، نگرش‌های آیینی و هویت ملی مردمان منطقه قلمداد می‌شوند. هنرمند با کنار هم قرار دادن ماهرانه‌ی این نقوش، قصد انتقال نمادین پیام‌های ملی و مذهبی را به مخاطبان عام داشته و این‌گونه چیدمان تنیدگی فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه را نشان می‌دهد.

منابع

۱. بی‌نام (۱۳۸۴) بازنگری طرح هادی روستای کاردگرمحله (شهرستان بابلسر بخش فریدونکنار دهستان امامزاده عبدالله)، بابلسر، مهندسین مشاور خزر بنیان درفک.
۲. پوپ، آرتور آپهام (۱۳۶۵) معماری ایران، ترجمه‌ی کرامت الله افسر، تهران: انتشارات یساولی.
۳. حجاز کناری، سیدحسین (۱۳۷۲) یادگارهای دینی و تاریخی مازندران، تهران: نشر انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور.
۴. رحیم زاده، معصومه (۱۳۸۲) سقائالارهای مازندران، ساری: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران.
۵. رحیمی، هادی (۱۳۸۷) خلاصه گزارش عملکرد سال ۱۳۸۶ و شش ماه اول سال ۸۷ شهرداری فریدونکنار، فریدونکنار: انتشارات روابط عمومی شهرداری فریدونکنار.
۶. سقایی، سارا و اعظم ملک و میثم فلاح و سعید امیرحاجلو (۱۳۹۱) «مطالعه خصوصیات معماری و هنری سقائفارهای شهرستان بابلسر؛ بنای مذهبی ویژه‌ی بخش مرکزی مازندران»، نخستین همایش ملی هنر تبرستان: گذشته و حال، دانشگاه مازندران، ارائه‌ی پوستر، بابلسر.
۷. شمسکار، معصومه (۱۳۸۲) طرح هادی روستای ازباران شهرستان بابلسر (مدیریت پروژه فنی و اجرایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مازندران، بابلسر، شرکت لیان GIS).
۸. فاطمی، سید محمد مهدی (۱۳۸۶) نقش گردشگری در تحولات شهر و شهرنشینی فریدونکنار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
۹. فلاح، میثم (۱۳۹۱) «مطالعه‌ی خصوصیات زیبایی شناختی سقائفارها؛ مطالعه‌ی موردی سقائفارهای فریدونکنار»، مجموعه چکیده مقالات پنجمین همایش دانشکده‌ی علوم انسانی، شورای نویسندگان، قائمشهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، ص ۵۶.
۱۰. (۱۳۹۰) «بنای مذهبی به نام سقائفار، خاصه منطقه‌ی مرکزی مازندران؛ مطالعه‌ی موردی بررسی باستانشناختی سقائفارهای شهرستان فریدونکنار»، مجله‌ی استارسو، پیش شماره‌ی سوم، ص ۳۶-۴۵.
۱۱. (۱۳۹۰) «سقائفارها، معماری مذهبی ویژه‌ی منطقه‌ی شمال ایران؛ مطالعه‌ی موردی معرفی سقائفارهای شهرستان فریدونکنار»، استان مازندران، مجله‌ی اینترنتی انسان شناسی و فرهنگ، <http://anthropology.ir/node/9842>
۱۲. گیدئین، زیگفرید (۱۳۷۴) فضا، زمان و معماری، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۳. محمودی، فتانه و محمود طاووسی (۱۳۸۷) مضامین و تصاویر انسانی در سقائفارهای مازندران؛ «بررسی تطبیقی نقوش سقائفارهای شیاده و کردکلا»، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۳۶، زمستان ۱۳۸۷، ص ۷۴.
۱۴. و علی‌اکبر فرهنگی (۱۳۸۸) «تجلی هویت ملی در هنر ایرانی با رویکردی به مضامین نقش‌مایه‌های تزئینی سقائفارهای مازندران»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال دهم، شماره‌ی اول، ۱۳۸۸، ص ۹۴.
۱۵. مرعشی، میر سید ظهیرالدین (۱۳۴۵) تاریخ طبرستان رویان و مازندران، به اهتمام محمدحسین نسیحی، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطبوعات شرق.
۱۶. (۱۳۶۱) تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمد حسین نسیحی، تهران: انتشارات شرق.
۱۷. نصر، سید حسین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه‌ی رحیم قاسمیان، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
۱۸. نفیسی، سعید (۱۳۶۴) تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر، جلد اول، چاپ پنجم، چاپ مروی، تهران: انتشارات بنیاد.
۱۹. یوسف‌نیا پاشا، وحید (۱۳۸۴) پیمایشی بر نقوش روی شیر سر و کوماچه سر در سقائفارهای مازندران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
20. Fallah, Meisam (2010) «The Saghanevars of Fereidonkenar: introducing the traditional religious architecture of northern Iran», The Project Gallery, "Antiquity", Vol 084, and Issue 323.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.